گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۱۹۱۶
چهارشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۰ ۸:۵۷

یادداشتی از لیلا یزدی مومن (بخش چهارم)

با موانع و چالش های مدیریت ریسک سازمانی چه کنیم؟

مساله ریسک و مدیریت آن , جز موضوعات نوپا در حیطه ی مدیریت محسوب میشود و به همین دلیل در آغاز اجرا با موانع بیشماری رو به رو میشود . هدف از این یادداشت آشنایی مختصری با موانع کلیدی و پیشنهاداتی در جهت حل این چالش ها میباشد.

به گزارش خبر، لیلا یزدی مومن، کارشناس ارشد حسابداری در بخش چهارم و پایانی یادداشت ارسالی به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است:
از آنجایی که مساله ریسک و مدیریت آن جدید و نوپا به حساب می آیند در پیش روی خود با موانع و چالش های متعددی روبه رو میشود . پژوهش های انجام شده نشان دهنده تأثیر عوامل مختلف در اجرای مدیریت ریسک سازمانی است . به طور خلاصه چالش های اصلی مدیریت ریسک سازمانی را به صورت شکل زیر میتوان بیان کرد.

نقش هیئت مدیره یکی از عوامل اصلی در پیاده سازی و اجرای مدیریت ریسک سازمانی اثربخش است .هیئت مدیره و مدیرعامل در تدوین استراتژی سازمانی نقش اصلی را ایفا میکنند، از طرفی فرهنگ سازمانی نیز متأثر از فرهنگ مدیران ارشد آن است. بنابراین ، هیئت مدیره و مدیران ارشد باید قبل از اتخاذ تصمیمات، اشتهای ریسک و میزان ریسک قابل تحمل را در تصمیمات خود در نظر بگیرند، علاوه بر آن پاداش تعدیل شده با ریسک نیز یکی از چالش های کلیدی در مدیریت ریسک سازمانی بیان شده است. رویه های ضعیف مدیریت ریسک میتواند مرتبط بافرهنگ ناسالم سازمانی باشد اما در نهایت یکی از مهمترین چالش های مدیریت ریسک سازمانی اهمیت همسویی آن با اهداف استراتژیک سازمانی است.
پیامد های اقتصادی حاصل از به کارگیری مدیریت ریسک سازمانی
پیشفرض اصلی مدیریت ریسک سازمانی این است که وجود هر واحد تجاری در جهت خلق ارزش برای ذینفعانش است لذا، به کارگیری مدیریت ریسک دارای پیامدهای زیادی برای ذینفعان است. مدیریت ریسک سازمانی میتواند از طریق کاهش هزینه سرمایه، بهبود اعتماد سرمایه گذاران و همچنین بهبود رتبه اعتباری شرکت(که نشاندهنده توانایی شرکت در بازپرداخت بدهی های آن است) موجب بهبود عملکرد شرکت شود و تصمیم گیری مدیران را بهبود بخشدعلاوه بر آن فواید به کارگیری مدیریت ریسک سازمانی شامل افزایش حساب دهی مدیران، بهبود رویه های حاکمیت شرکتی، درک بهتر مدیریت از استراتژی شرکت و توافق نظر در مورد استراتژی شرکت است هم چنین لازم به ذکر است که رویه های باکیفیت مدیریت ریسک سازمانی عملکرد شرکت را افزایش میدهند و برای شرکت ارزش افزوده ایجاد میکنند. همچنین با بررسی مقایسه ای مطالعات صورت گرفته در حوزه مدیریت ریسک میتوان به این نتیجه رسیدکه مدیریت ریسک سازمانی بر عملکرد و ارزش شرکت تأثیر مثبتی دارد و هدف از مدیریت ریسک سازمانی حمایت از ترازنامه است، زیرا یکی از ریسک هایی را که بررسی میشود ریسک تأمین مالی مربوط به پرداخت زیانهای غیرمنتظره است. مثلاً شرکت با در نظر گرفتن پوشش بیمه ای و پرداخت حق بیمه از ریسک زیانهای غیرمنتظره آتی ناشی از داراییها جلوگیری میکند.

و کلام آخر , ریسک هایی که شرکت ها با آن ها مواجه می شوند می تواند تاثیر مهمی بر میزان دستیابی شرکت ها به اهدف سازمانی آن ها داشته باشد، حتی در برخی موارد ممکن است در صورتیکه شرکت چارچوب مدیریت ریسک اثربخشی را مستقر نکرده باشد و برنامه ای برای مدیریت ریسک ها نداشته باشد،به مسئله عدم تدوام فعالیت شرکت منجر شود لذا در نهایت به مدیران شرکت ها پیشنهاد میگردد با استفاده چارچوب مدیریت ریسک ، نسبت به استقرار مدیریت ریسک سازمانی در جهت دستیابی به اهداف سازمانی خود اهتمام ورزید .در خصوص استقرار چارچوب مدیریت ریسک سازمانی، پیشنهاد می گردد ابتدا به همسویی استراتژی کمیته ریسک به عنوان جز مهم راهبری ریسک نقش کلیدی در استقرار مدیریت ریسک سازمانی ایفا میکند. لذا به شرکت ها پیشنهاد میگردد که ابتدا در ساختار سازمانی خود، کمیته ریسک را در نظر گرفته به گونه ای که این کمیته به صورت مستقل قادر به نظارت بر فرآیندهای مدیریت ریسک بوده و به بالاترین سطح سازمانی گزارش دهد. این کمیته، از طریق نظارتی که بر فرآیندهای مدیریت ریسک دارد، مشکل پیگیری برای پاسخ های درنظر گرفته برای ریسک را نیز مرتفع می سازد.هیئت مدیره شرکت ها نیز باید ابتدا در تعیین اهداف، ماموریت ها و استراتژی سازمانی به صورت شفاف اهتمام ورزند. با توجه به اینکه یکی از چالش های مطرح شده در مقابل پیاده سازی مدیریت ریسک موانع فرهنگی ریسک است. لذا پیشنهاد می گردد شرکت ها در قالب کارگاه های آموزشی کارکنان و مدیران خود را با موضوع مدیریت ریسک سازمانی و اهمیت آن در دستیابی به اهداف سازمانی مطلع نمایند. حسابرسان داخلی و کمیته حسابرسی نیزنقش مهمی در این خصوص دارند. حسابرسان داخلی شرکت ها در جلساتی که با مدیران ارشد سازمان دارند می توانند در مورد اهمیت مدیریت ریسک اطلاع رسانی کرده و مشکل فرهنگ مدیریت ریسک در سطح مدیران ارشد را مرتفع سازند.همچنین به سازمان ها پیشنهاد می گردد که بودجه مالی و زمانی کافی را برای استقرار مدیریت ریسک سازمانی درنظر گرفته و سیستم های اطلاعاتی و تکنولوژی های خود را متناسب با فرآیند های مدیریت طراحی نمایند.
علاوه برآن پیشنهاد می گردد که شرکت از مشاوران خارجی متخصص در زمینه مدیریت ریسک برای تشکیل کارگاه های مدیریت ریسک سازمانی برای کارکنان سازمان استفاده نموده تا مشکل فرهنگ ریسک در سطوح سازمانی مختلف مرتفع شود. به شرکت هایی که مدیریت ریسک سازمانی را بکارگرفته اند پیشنهاد می گردد در دوره های زمانی مختلف با استفاده از منابع اطلاعاتی داخلی و برون سازمانی و همچنین استفاده از خبرگان برون سازمانی در زمینه مدیریت ریسک، چارچوب مدیریت ریسک مورد استفاده خود را بررسی نموده و بهبود دهند.